

رقابت روسیه با ایران در حوزه انرژی مناطق آسیای مرکزی - خزر و قفقاز

دکتر پیروز مجتهدزاده^۱

احمد رشیدی نژاد^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۳/۱۸ - تاریخ تصویب ۸۹/۶/۲۰)

چکیده

کشورهای مناطق آسیای مرکزی و قفقاز دارای مقادیر قابل توجهی ذخایر نفت و گاز می‌باشند. از مشخصات ذخایر انرژی این کشورها علی‌رغم نزدیکی به بازارهای مصرف، این است که نفت و گاز استخراجی به راحتی قابل عرضه در مناطق تقاضا نیست. مسیر اصلی انتقال انرژی این مناطق در دوران شوروی از خاک روسیه می‌گذشت، اما پس از فروپاشی شوروی به دلیل مجاورت و دسترسی جغرافیایی ایران به این مناطق، اولین زمینه‌های رقابت ایران با روسیه در این حوزه فراهم آمد. با این همه و با وجود ظرفیت‌های فراوان ایران در ترانزیت انرژی، این روس‌ها هستند که همچنان در این عرصه یکه‌تازی می‌کنند. در این رابطه اساساً این سؤال مطرح می‌گردد که چه عاملی موجب شده است با وجود رقیبی قدرتمند همچون ایران (با وجود همه ظرفیت‌ها)، روسیه همچنان یکه‌تاز عرصه ترانزیت انرژی در مناطق مذکور باشد؟ نتایج پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت پذیرفته است نشان می‌دهد

۱- دانشیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، a_rashidin@yahoo.com

که اصولاً سیاست منطقه‌ای آمریکا نسبت به ایران (همه چیز بدون ایران)، توانسته است یکی از مهمترین عوامل تسهیل کننده سیاست انحصار انرژی روسیه در رابطه با مناطق مذکور باشد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی - خزر، قفقاز، انرژی، ایران، روسیه، آمریکا، رقابت.

مقدمه

انرژی (نفت و گاز) همواره از مؤلفه‌های مهم قدرت بوده، دارای ارزش و اهمیتی بسیار تعیین کننده در روابط بین الملل و رفتارهای سیاسی - اقتصادی کشورها محسوب می گردد (فیاضی، ۱۳۸۶: ۱۴۱)، تا جایی که دانشمندان روابط بین الملل معتقدند که اگر می خواهید نقشی در جهان ایفا نمایید؛ باید بر جریان انرژی، کنترل داشته باشید (پهلوانی و حیرانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۴۴). لذا وجود انرژی در هر منطقه جغرافیایی می تواند آن را تبدیل به یک عامل رقابت و کشاکش نموده، صف بندی‌ها و آرایش‌های سیاسی را حول آن شکل دهد. مناطق آسیای مرکزی - خزر و قفقاز نیز پس از استقلال به دلیل ذخایر ارزشمند انرژی فسیلی مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت. این توجه به موازات افزایش تنش و بحران در خاورمیانه و آمریکای لاتین به عنوان یک منبع آلترناتیو به منظور تأمین انرژی مصرفی مورد نیاز غرب دو چندان شده است (فیاضی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). در این بین منافع کشورهای ایران و روسیه به عنوان قطعات مکمل پازل جغرافیایی این مناطق همچون بسیاری از زمینه‌های حساس سیاسی و ژئوپلیتیکی در این حوزه (انرژی) نیز به هم گره خورده، موجبات رقابت دو کشور را فراهم آورده است.

حجم منابع انرژی منطقه

مطالعات صورت گرفته از میداین انرژی منطقه نشان می دهد که حجم منابع انرژی منطقه علی رغم ۱۵۰ سال بهره برداری، همچنان قابل توجه است. در مجموع ذخایر انرژی تأیید شده برای کشورهای آسیای مرکزی (بنابر اقوال مختلف)، از ۱۵ تا ۳۱ میلیارد بشکه نفت و ذخایر گازی نیز از ۲۳۰ تا ۳۶۰ تریلیون متر مکعب می باشد که این حجم از ذخایر، بطور تقریبی به ترتیب ۲/۷ و ۷ درصد ذخایر نفت و گاز دنیا را شامل می شود. اگر چه بعضی منابع دیگر ذخایر نفتی را ۱۷ تا ۳۳ میلیارد بشکه ذکر کرده اند (فیاضی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). از لحاظ پراکندگی جغرافیایی نیز این ذخایر در

پنج نقطه مهم قرار دارند که عبارتند از؛ حوزه شمال دریای خزر، جنوب دریای خزر، شمال اوست یورت و منقشلاق و حوزه آمودریا. لازم به ذکر است که طی ۱۵۰ سال گذشته استخراج منابع عمدتاً از خزر صورت گرفته و سایر منابع منطقه کمتر مورد بهره‌برداری و استخراج قرار گرفته است.

موقعیت محاط منابع منطقه

کشورهای مناطق آسیای مرکزی و قفقاز (به جز گرجستان که فاقد ذخایر انرژی است)، دارای مقادیر قابل توجهی ذخایر نفت و گاز می‌باشند. از مشخصات ذخایر انرژی این کشورها این است که علی‌رغم نزدیکی به بازارهای مصرف، نفت و گاز استخراجی؛ به راحتی قابل عرضه در مناطق تقاضا نیست. زیرا دسترسی به دریای آزاد برای اغلب کشورهای مناطق مذکور تنها از طریق کشورهای واسطه امکان‌پذیر است (وحیدی، ۱۳۸۵: ۲). پنج کشور آسیای مرکزی و دو کشور از سه کشور قفقاز (به استثنای گرجستان)، فاقد راه‌های دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد می‌باشند و جزء کشورهای محصور در خشکی محسوب می‌شوند. متوسط فاصله پایتخت‌های این ۵ کشور به استثنای ترکمنستان از نزدیک‌ترین بندر حدود ۳ هزار کیلومتر است. ۴ کشور از این ۵ کشور برای رسیدن به آب‌های آزاد باید از قلمرو یک کشور دیگر عبور کنند. در این میان فقط ازبکستان برای دستیابی به دریا باید حداقل از دو کشور عبور نماید (بالسینی، ۱۳۸۷: ۹۲). لذا دو راه در برابر تولیدگان انرژی آسیای مرکزی - خزر برای رساندن نفت و گاز تولیدی به بازارهای مصرف وجود دارد؛ فروختن به مصرف‌کنندگان منطقه‌ای، یا ارسال از طریق خط لوله بواسطه کشورهای معبر (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۹).

مسیرهای ترانزیت انرژی منطقه

همانطور که پیش‌تر گفته شد شانس کشورهای منطقه در زمینه برخورداری از مسیرهای قابل اتکا برای عرضه مستقیم نفت و گاز به بازارهای اروپایی (بزرگترین و جذاب‌ترین بازار برای عرضه‌کنندگان انرژی) بسیار محدود و وابسته به کشورهای معبر می‌باشد. در گذشته مسیر اصلی انتقال انرژی منطقه از خاک روسیه می‌گذشت (ماهنامه اقتصاد انرژی، ۱۳۸۷: ۱۴)، اما در حال حاضر سه گزینه عمده مسیرهای شمالی، جنوبی و غربی مطرح است؛ گزینه اول، مسیر شمالی

است که در این گزینه نفت و گاز تولیدی باید تحویل شبکه خطوط انتقال انرژی روسیه شود. در این شرایط روس‌ها نفت و گاز تولیدی کشورهای منطقه را خریداری و خود رأساً اقدام به فروش آن به غرب می‌کنند. گزینه دوم مسیر غربی یا مسیر گرجستان است؛ در این گزینه نفت و گاز استخراجی این مناطق از طریق گرجستان و از آنجا به ترکیه و سپس اروپا منتقل می‌گردد (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۶). ناگفته نماند که انرژی صادراتی کشورهای منطقه آسیای مرکزی باید مسیر دریای خزر را نیز طی نماید. گزینه سوم مسیر ایران است که پس از فروپاشی شوروی به دلیل مجاورت و دسترسی جغرافیایی ایران به این مناطق، اولین زمینه‌های فعالیت ایران در این حوزه فراهم آمده است (دیلمی، ۱۳۸۷: ۱۴).

روسیه و منابع انرژی منطقه

بطور کلی سیاست انرژی، سهم قابل ملاحظه‌ای را در تدوین استراتژی سیاست خارجی روسیه به خود اختصاص داده است. مقامات روس با التفات به کاهش توان نظامی خود و عدم مناسبت آن در فضای کنونی نظام بین‌الملل، تنزل موقعیت سیاسی، مشکلات ساختاری اقتصاد و نیز متأثر از اصل کارآمدی ابزارها و استفاده از کارآمدترین آن‌ها، در رویکرد عمل‌گرایی خود، منابع انرژی را مهمترین برگ برنده خود در عرصه رقابت‌های بین‌المللی می‌دانند (نوری، ۱۳۸۶: ۲۸). پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه در مقاله‌ای که توسط بنیاد «مینینگ» منتشر شده است با اشاره به این موضوع، از بخش انرژی به عنوان اهرمی جهت پیشبرد منافع ملی روسیه یاد می‌کند. رئیس این بنیاد پس از آن در مقاله‌ای به موازات گفته‌های پوتین چنین می‌نویسد: «دنایای امروز خود را در شرایط ویژه‌ای یافته و دریافته که مهمترین منابع، هیدروکربن است. این‌ها مهمترین ابزارها در دست ما - در دست پوتین - و قوی‌ترین اهرم ژئوپلیتیک ماست» (اسدی‌کیا، ۱۳۸۶). در این بین افزایش فزاینده نیاز اروپا، آمریکا و کشورهای شرق به منابع انرژی و کمبود جایگزین برای متنوع کردن این منابع، بستر مناسبی برای روسیه در استفاده از منابع انرژی فراهم آورده است، تا با کنترل بخشی از بازار انرژی جهان نه تنها موجبات ارتقای اقتصادی خود را فراهم آورده، بلکه بتواند نقش یک بازیگر مهم سیاسی و ژئوپلیتیکی جهانی را با موفقیت ایفا نماید (راعی، ۱۳۸۶: ۳۰). در این رابطه می‌توان جایگاه انرژی مناطق مذکور را در سیاست خارجی روسیه، به شرح ذیل عنوان نمود:

- عرضه انرژی و تملک دارایی جمهوری‌های شوروی سابق توسط شرکت‌های انرژی روسی، اهرمی برای محدود کردن حاکمیت ملی این جمهوری‌ها و چفت کردن آن‌ها به روسیه در راستای تغییر جهت گیری‌های غربگرایانه آنهاست (دامن پاک، ۱۳۸۷: ۱۴)؛
- روسیه با خرید گاز کشورهای این منطقه از یک سو از ایجاد رابطه مستقیم میان این کشورها با اروپا جلوگیری کرده، از سوی دیگر به حاکمیت انحصاری خود در خصوص صادرات انرژی به اروپا تداوم می‌بخشد. زیرا اتحادیه اروپا در صورتی که بتواند به صورت مستقیم با تولیدکنندگان گاز در این منطقه وارد مذاکره شود، می‌تواند خود را از سیاست انحصاری روسیه در رابطه با تأمین انرژی نجات بخشد. در واقع به نوعی می‌تواند به متنوع‌سازی منابع وارداتی خود اقدام نماید (ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۷: ۵۰)؛
- تأمین ارزان‌تر انرژی جهت مصارف داخلی در مناطق همجوار با این کشورها (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷۵)؛
- کاهش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران، چین، هند، ترکیه، پاکستان، اسرائیل در این مناطق (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷۵)؛
- با توجه به اینکه یک سوم انرژی تولید شده در روسیه جنبه مصرف داخلی دارد، کنترل منابع انرژی این مناطق جهت تأمین انرژی صادراتی (به اروپا، چین، ژاپن، کره جنوبی و ...) توسط روسیه ضروری می‌نماید؛
- ایجاد وابستگی به انرژی روسیه در متحدان آمریکا (اروپا، ژاپن، کره جنوبی و ...) در جهت فشار بر این کشور؛
- ایجاد وابستگی در متحدان آمریکا به منظور افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود در معادلات جهانی بویژه در رابطه با آمریکا (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷۵)؛
- اتخاذ سیاست تأمین انرژی برای متحدانی همچون چین، هند و ... (مشابه جایگاه آمریکا برای کشورهای اروپایی، ژاپن، کره جنوبی و ...) (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷۵)؛
- کاهش شانس ایران برای ورود به بازار اروپا به این معنی که ایران با وارد کردن بخشی از انرژی مورد نیاز مناطق شمالی خود از این مناطق می‌توانست معادل آن را به اروپا صادر نماید. اما در این شرایط جهت تأمین مصارف داخلی این مناطق مجبور به

استفاده از حجمی از انرژی تولیدی خود می‌باشد (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۷۵). به طور مثال ایران بدنبال قطع صادرات گاز ترکمنستان به مناطق شمالی در زمستان ۸۶ مجبور به بستن خطوط انتقال انرژی خود به ترکیه گردید. بنابراین و براساس استدلال‌های ذکر شده، این کشور تلاش دارد تا مانع از تحقق برنامه‌های سایر رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای احداث مسیرهای جایگزین حمل و نقل انرژی از این حوزه‌ها شده و انحصار کامل مسیرهای موجود در این منطقه را زیر نظارت کامل خود بگیرد (اسدی‌کیا، ۱۳۸۴).

موقعیت ژئواکونومیک ایران

ایران پس از ده‌ها سال اجرای نقش یک سرزمین میانی پراهمیت که توازن استراتژیک و ژئوپلیتیک خاور و باختر سیاسی پیشین، روی آن شکل می‌گرفت؛ در نتیجه دگرگونی‌های ژئوپلیتیک جهانی در دهه ۱۹۹۰ میلادی ناچار شده است نقش تازه‌ای برای خود دست و پا کند. این نقش تازه، نقش ژئوپلیتیک سرزمین میانی است که دو منطقه انرژی پراهمیت جهان را به هم پیوند می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۵)، بطوری که موقعیت خاص جغرافیایی و موقعیت ژئواکونومیک ایران این امکان را برای آن فراهم ساخته که بتواند به عنوان یک گزینه انکارناپذیر و قطب ترانزیت انرژی منطقه‌ای به ایفای نقش معبری پردازد (بالسینی، ۱۳۸۷: ۸۹). موقعیت ژئواکونومیک ایران که در میان دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است، امکان ادامه یافتن لوله‌های انرژی از این مناطق را به خلیج فارس و دریای عمان فراهم می‌آورد. علاوه بر این، ایران نه تنها کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین راه برای صدور نفت و گاز از این مناطق به دنیای خارج را در اختیار دارد، بلکه دارای خطوط انتقال انرژی مناسب در مسیر شمال به جنوب و شرق به غرب، تجربه نود ساله در صنعت نفت و گاز، تأسیسات نفتی و گازی، تسهیلات بندری و پالایشگاه‌های مناسب است که می‌تواند به بازار مصرف انرژی منطقه اورآسیا و کشورهای اروپایی و آسیایی متصل شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: الف: ۱۱). همگی این ظرفیت و قابلیت‌ها این امکان را برای ایران فراهم ساخته که بتواند به عنوان قطب ترانزیت انرژی منطقه به ایفای نقش ترانزیتی پردازد.

نقش آمریکا در رقابت انرژی روسیه و ایران

با وجود اینکه بسیاری از شرکت‌های اروپایی و آمریکایی فعال در حوزه نفت و گاز، همانند بسیاری از مقامات کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، معتقدند مسیر ایران برای ترانزیت انرژی از هر حیث مسیری کاملاً متعادل است، اما تاکنون صرفاً به دلیل فشارهای سیاسی که بیشتر از جانب آمریکا اعمال شده است، جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است متناسب با امکانات و ظرفیت‌های خود در این حوزه به ایفای نقش پردازد (بالسینی، ۱۳۸۷: ۷۷). این موضوع فارغ از کنار گذاشتن ایران از ایفای نقش طبیعی منطقه‌ای خود، بیش از هر چیز موجبات آسودگی خاطر روس‌ها را فراهم می‌آورد، چرا که استراتژی "همه چیز بدون ایران" آمریکا، ایران - این رقیب بالقوه قدرتمند - را در حوزه ترانزیت انرژی عملاً به صورت منفعل درآورده است (ماهنامه اقتصاد، ۱۳۸۷: ۱۴). تا جایی که در حال حاضر روسیه در زمینه ترانزیت انرژی، ایران را حتی تهدیدی بالقوه نیز محسوب نمی‌کند و به راحتی می‌توان سیاست انرژی روسیه را به شکل محاصره ایران از سوی شمال مشاهده نمود. در این خصوص شرکت‌های روسی، بویژه گاز پروس به عنوان بزرگترین شرکت گازی جهان و بازوی سیاست انرژی روسیه، سایه خود را از مرزهای روسیه تا مرزهای ایران، در سراسر این جغرافیا از آسیای مرکزی (ترکمنستان و ازبکستان)، تا قفقاز جنوبی (ارمنستان و آذربایجان) با هدف ممانعت از شکل‌گیری مسیرهای جدید جایگزین گسترانده‌اند. در این رابطه با احداث هرگونه خطوط لوله انرژی از طریق ایران و حتی معاوضه نفت کشورهای منطقه، برای صادرات از طریق ایران مخالفت نموده و با اجرای سیاست‌هایی حساب شده، ایران را از این بازار پرسود محروم می‌نمایند.

سیاست همه چیز بدون ایران

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، به دلایل مختلف توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به سوی این کشورهای جلب و زمینه برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هموار گردید. در این بین ایران از جمله قدرت‌های منطقه‌ای محسوب می‌گردد که بطور طبیعی و برپایه مجاورت جغرافیایی با مناطق مذکور، می‌تواند سهم عمده‌ای از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در منطقه بر عهده داشته باشد. اما همانطور که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، به علت فضای حاکم بر روابط تهران - واشنگتن،

موقعیت ایجاد شده عملاً نمی‌تواند مورد بهره‌برداری ایران قرار بگیرد. لازم به ذکر است که مناسبات ایران و ایالات متحده سال‌هاست که بدنبال انقلاب اسلامی در ایران بر محور استراتژی محاصره و فرار از محاصره دور می‌زند. ایالات متحده در طی سال‌های پس از انقلاب در ایران، همواره کوشیده است تا علاوه بر اجرای تحریم‌های اقتصادی، از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نیز ایران را در محاصره اقتصادی - سیاسی قرار دهد. اما در راستای این هدف در مرزهای شمالی، ایالات متحده همواره می‌کوشد تا از عبور لوله‌های نفت و گاز مناطق همجوار از راه ایران جلوگیری نماید. در فاصله سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۳ میلادی، اوج فشارهای سیاسی - اقتصادی ایالات متحده آمریکا را در این راستا می‌توان در سیاست مهار دوگانه و به دنبال آن تصویب قانون داماتو مشاهده کرد. بر اساس این قانون کلیه کشورها و شرکت‌هایی که بالای ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند، مورد مجازات قرار خواهند گرفت (گودرزی، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب دست شرکت‌های نفتی آمریکایی و غیرآمریکایی جهت سرمایه‌گذاری در ایران برای انتقال نفت و گاز کشورهای حوزه مذکور بسته خواهد شد. به نظر می‌رسد که دولتمردان کاخ سفید قصد ندارند منافع ژئوپلیتیکی خود را فدای منافع اقتصادی کنند، به همین دلیل اساس سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در مناطق مذکور، بر پایه فرضیه دشمن دائمی و همه چیز بدون ایران شکل گرفته است. ایجاد زمینه برای اخراج ایران از کنسرسیوم نفت باکو، مخالفت صریح با عبور خط لوله از ایران، مخالفت با میانجیگری ایران در منازعات منطقه‌ای جهت مهار و انزوای این کشور و ... همه و همه نشانه‌هایی دال بر سیاست "همه چیز بدون ایران" آمریکا، با هدف منزوی ساختن ایران در منطقه می‌باشد. آمریکایی‌ها می‌دانند که واگذاری نقش تأمین‌کننده انرژی به ایران در قرن بیست و یکم (بعنوان کشوری که در هارتلند انرژی جهان قرار گرفته است)، به مثابه واگذاری نقش عمده ژئوپلیتیک به این کشور در صحنه نظام بین‌الملل است. شایان ذکر است که ایالات متحده در راستای کوشش‌هایش به منظور تحقق بخشیدن به نظام نوین جهانی خود و ایجاد کنترل بر این نظام، ایجاد کنترل بر منابع انرژی جهان را در اولویت اول خود قرار داده است؛ لذا نمی‌تواند این نقش را به ایران که دارای تضاد منافع ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی با آمریکاست، واگذار نماید. از این رهگذر ادعای داشتن منافع واقعی در منطقه را مطرح کرده و به شکل‌های مختلف در صدد مهار و جلوگیری از نفوذ ایران

در منطقه برآمده است. تخریب چهره نظام ایران در نزد ملل منطقه، جلوگیری از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ایران، تلاش برای ارائه مدل و الگوی مورد نظر ایالات متحده آمریکا برای کشورهای منطقه، مخالفت با عبور خطوط لوله انتقال انرژی منطقه از ایران به بازارهای جهانی و ... تنها نمونه‌هایی از تلاش این کشور برای محروم کردن و دور نگه داشتن ایران از ایفای نقش منطقه‌ای خود در سال‌های اخیر بوده است (گودرزی، ۱۳۸۶).

نتیجه گیری

با وجود تمایل غرب به شکستن انحصار روسیه در عرصه انرژی و با وجود اینکه بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز همانند بسیاری از مقامات کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز معتقدند مسیر جنوبی ایران مسیری کاملاً متعادل برای ترانزیت انرژی است، ایران این تنها رقیب بالقوه معارض در حوزه انتقال انرژی برای روسیه، صرفاً به دلیل فشارهای سیاسی که بیشتر از جانب آمریکا اعمال می‌شود، تاکنون نتوانسته است متناسب با این امکانات به ایفای نقش منطقه‌ای خود پردازد. روس‌ها می‌دانند که آمریکا با تمام توان استراتژی «همه جز ایران» را دنبال می‌کند. بنابراین ادامه تنش در روابط ایران و آمریکا، در شرایطی که با فراز و نشیب‌هایی در سال‌های گذشته همراه بوده، اولین ایمنی را برای روسیه در تقابل با ایران در این حوزه به وجود می‌آورد، تا جایی که روسیه می‌تواند به این اعتماد به نفس برسد که موقعیت منحصر به فردی را در حوزه انتقال انرژی این منطقه کسب کرده است.

منابع

- _____ (۱۳۸۷)، «با روسیه باید چگونه برخورد کرد؟»، *ماهنامه اقتصاد ایران*، سال دهم، شماره ۱۱۴، صص ۶۸-۶۹.
- _____ (۱۳۸۷)، «بازار گاز اروپا، پرقیب: روسیه و ارمنستان خواستار همکاری با ایران می‌باشند»، *ماهنامه اقتصاد ایران*، سال نهم، شماره ۹۴.
- _____ (۱۳۸۷)، «پیشنهادی برای محدود کردن حوزه نفوذ روسیه؛ گفت و گوی ایران و آمریکا»، *روزنامه اعتماد ملی*، ۸/۲۹/۸۷.

- _____ (۱۳۸۷)، «میزگرد روابط ایران و روسیه در حوزه انرژی»، *ماهنامه اقتصاد انرژی*، شماره ۱۰۲-۱۰۱.

- اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۴)، «گاز، عرصه جدید بازیگری»، *سایت ایراس*، قابل دسترسی در آدرس:

www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&&depId=44&semId=202

- اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۶)، «روسیه؛ ابرقدرت انرژی»، *سایت ایراس*، قابل دسترسی در آدرس:

www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&depId=44&semId=851

- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۷)، «بحران گرجستان، طرف‌های درگیر؛ علت‌ها و پیامدها»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۵۱.

- بالسنی، اصغر (۱۳۸۷)، *رویکرد اقتصادی به روابط ایران و روسیه*، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

- پهلوانی، عبدالکریم و حیرانی‌نیا، جواد (۱۳۸۷)، «همکاری‌های بین‌المللی و توسعه بخش انرژی (نفت و گاز) جمهوری اسلامی ایران: بررسی تجربه روسیه»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۷.

- حسینی، سیدمحسن (۱۳۸۷)، *بررسی سیاست خارجی روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۶-۱۹۹۱)*، پایان‌نامه، استاد راهنما: محمود سریع‌القلم، دانشگاه شهید بهشتی.

- دامن‌پاک، جعفر (۱۳۸۷)، «روسیه و آمریکا، رقبای پیشین؛ زمینه‌های مشارکت»، *ماهنامه اقتصاد انرژی*، شماره ۱۰۴.

- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۷)، «آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی: تعادل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۵۸.

- راعی دهقی، مرتضی (۱۳۸۶)، «روسیه و اتحادیه اروپایی: استراتژی متقابل انرژی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۰.

- رشیدی نژاد، احمد (۱۳۸۸)، *تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با بحران اتمی ایران*، پایان‌نامه، استاد راهنما: پیروز مجتهدزاده، دانشگاه تربیت مدرس.

- فیاضی، محسن (۱۳۸۶)، «رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز»، تهران: *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۰.

- گودرزی، مهناز (۱۳۸۶)، «سیاست آمریکا در قبال ایران در دریای خزر» (۱۳۸۶/۱۱/۳)، *سایت آفتاب*، قابل دسترسی در آدرس:

www.aftabir.com/articles/view/politics/diplomacy/c1c1201435374p1.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، **ابده‌های ژئوپلتیک و واقعیت‌های ایرانی**، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹ ب)، «دیدگاه‌های ایران در رابطه با دریای خزر، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه»، **ماهنامه سیاسی و اقتصادی**، شماره ۹۵ و ۹۶.
- ملکی، عباس (۱۳۸۶)، «امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۲.
- نوری، علیرضا (۱۳۸۶)، «راهبرد ابرقدرت انرژی در سیاست خارجی روسیه»، **دوماهنامه ویژه مطالعات روسیه و آسیای مرکزی (ایراس)**، شماره ۱۹.
- وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۵)، «انرژی، عامل توسعه شکاف بین روسیه و اتحادیه اروپا»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی